

داستان ازدواج پسر ایرانی و پرنسس آفریقایی!

پای صحبت های پسری که با دختر ملکه یکی از قبایل مالی ازدواج کرده، درباره عشق

و غلبه اش بر تفاوت ها

الهام حبشی | خبرنگار

پرونده

سر نوشت همیشه آن طور که فکرش را می کنیم، برای زندگی مان تصمیم نمی گیرد. یک نفر مثل «فرشاد خاونساری، که در اراک به دنیا آمده، هرگز تصورش را نمی کرد دست تقدیر او را به دختری برساند که مادرش ملکه یکی از قبایل بزرگ آفریقایی است! در روز هایی که فرشاد در تهران مشغول زندگی و کار است، دختری از کشور مالی چمدان می بندد و راهی ایران می شود. آمد و نمی دانست که قرار است قلبش را در هوای ایران جا بگذارد. فرسنگ ها دور تر از یکدیگر متولد شده اند و هزار هزار تفاوت دارند. تفاوت هایی که حضورشان را در کنار یکدیگر در ذهن آدمی، نشدنی می کند اما خبر از دواج شان در یک روز تابستانی در شبکه های اجتماعی منتشر می شود و خیلی ها مشتاق دانستن چگونگی از دواج پسر ایرانی با یک پرنسس آفریقایی هستند، از دواجی که قواعد اسلامی در آن رعایت شده است بعد از مدت کوتاهی از شروع زندگی شان، ویدئویی از آن ها پخش می شود که چیز زیادی از لوکیشن ماجرا در آن مشخص نیست شاید کافه ای کوچک یا حجره ای نقلی باشد. مرد جوان در حالی که لیخند از صورتش حذف نمی شود، با مردمی که از سر کنجکاو دورش حلقه زده اند، اختلاط می کند. پوشش این خانم هم با دیگر سیاهپوستانی که تا به امروز در ایران دیده ایم، فرق دارد. شالی حجیم که دور سرش گره زده است، مراه یاد نقاشی های کوبیسم و مجسمه های انتزاعی و کشیده ز نان آفریقایی می اندازد. بعد از کمی جستجو، صفحه اینستاگرام داماد را پیدایم کنیم. تصاویر راتک تک تماشای کنیم! واژ کنار هم قرار گرفتن دو چهره ای که در ظاهر اندک شباهتی با یکدیگر ندارند و در فرهنگ متفاوت بزرگ شده اند، غرق در شگفتی می شوم که! آیینده، بر تره ای جدید از چهره عشق در من است. دیگر صبر را جایز نمی دانم و گفت و گویم را با فرشاد در باره عشق شان که به ظاهر رنگ و بوی دیگری دارد، شروع می کنم.

بانوی آفریقایی و آقای مترجم

فرشاد اصلتا را کی و در رشته عمران درس خوانده است. ۲۹ سال سن دارد و خانمش «فتی بوکوم» با او همسن و سال است. از کارش که سوال می کنیم این طور توضیح می دهد که در کنار انجام پروژه های عمرانی، پار ه وقت به کار مترجمی زبان فرانسه مشغول است. فرشاد می گوید که آن هادر همین ایران خودمان باهم آشنا شده اند. شاید برایتان عجیب باشد و بیر سید بانوی آفریقایی در ایران چه می کرده است؟ فرشاد در این باره می گوید: «دو سال پیش «بوکوم» برای تجدید دیدار با دوستی پارسی زبان به ایران سفر می کند. درست در همین ایام است که من برای مترجمی به هتل اقامت اور فتم و حکایت عاشقی ما آغاز شد. «بوکوم» اصلتا اهل کشور مالی است و مادرش ملکه یکی از قبایل بوده، پدرش هم یک دیپلمات است و هر از چند گاهی برای دیدار با دیپلماتی ایرانی که از دوستان قدیمی شان است، به ایران سفر می کند. فرشاد با خانواده دو بوکوم همراه و آهسته آهسته رشته هایی از اشتراک در میان آن هادر خشان می شود. به همین سبب است که تصمیم می گیرند بیشتر با یکدیگر در ارتباط باشند. اندک زمانی نگذشته است که «بوکوم» بی خبر و غافل گیر کننده در روز تولد فرشاد به ایران باز می گردد. فرشاد در این باره می گوید: «فتی جان، خوشحال کردن مرا بلد است. دغدغه هایم را می داند و خواسته هایم با اهداف او در یک مسیر مشترک قرار گرفته است. محبت بین ما عشق در یک نگاه نیست. ما از روی یک علاقه زود گذر تصمیم به ازدواج نگر فتم و مدت زمانی حدود یک سال را صرف شناخت یکدیگر کردیم.»



فرهنگ مردم مالی شبیه به ایران است!

مشتاقم تا بدانم فرشاد چطور توانسته است از پس راضی کردن خانواده اش بر بیاید. با خنده جواب می دهد: «خدا را شکر خانواده فهمیده ای دارم. خانواده همسر هم را کوچک ترین مانعی برای ازدواج ما ایجاد نکردند. آن ها به انتخاب ما احترام گذاشتند.» او اولین دیدار فتی با خانواده اش را چنین شرح می دهد: «من برای کار در تهران ساکن شده ام و خانواده ام هنوز در اراک زندگی می کنند. روزی که نامزد مرا برای دیدار با خانواده به اراک بردم، مادر م به گرمی از ما استقبال کرد. مگر نشنیده اید که ما ایرانی هادر مهمان نوازی شهره عام و خاص هستیم و اجازه

مسائل زیادی وجود دارد که فرشاد و همسرش باید بر سر آن ها توافق کنند، از کشور محل زندگی شان بگیری د تارسم و رسوم متفاوت در باره چیزیه و... . فرشاد در این باره می گوید: «خانم من در لندن زندگی می کند و مشغول به کار است. به همین علت توافق کرده ایم تا پنج سال ابتدایی زندگی مشترک مان را در لندن بگذرانیم و بعد از آن راهی ایران شویم. او مشکلی با زندگی در ایران ندارد و آن قدر در این مدت باز خورده ای مثبت از سمت ایرانی ها دریافت کرده که شیفته ایران شده است.

در باره رسم مهریه که با او صحبت کردم، کمی فکر کرد و گفت: ۱۰ شتر سفید می خواهد، بعد خندید و ادامه داد که شوخی کرده است. در نهایت چیزی از من نخواست. مراسم عروسی مان را هم خودمان مدیریت کردیم و با پس اندازی که داشتیم، جشن گرفتیم.

تنها داماد ایرانی ام که رنگ ماشین عروس را ندیده!

تصور می کنید که مراسم ازدواج چنین زوجی، چطور برگزار خواهد شد؟ یک دختر آفریقایی که مادرش ملکه بوده است از شوهرش چه توقعاتی برای برگزاری چنین مراسم مهمی خواهد داشت؟ فرشاد که توقع پرسیدن چنین سوالی را داشت، می گوید: «حس می زدم که این سوال را بکنید چرا که مردم زیادی درباره اش کنجکاو هستند! البته مراسم ازدواج مان از نظر نحوه برگزاری تفاوت چندانی با بقیه عروسی های ایرانی نداشت اما شاید من تنها داماد ایرانی باشم که رنگ ماشین عروس را ندیده است! در عروسی های ایرانی معمول است که داماد دنبال عروس خانم به آرایشگاه می رود اما من عروس را تا اواسط مجلس ندیدم! او به همراه پدرش و به سبک عروس های اروپایی از آرایشگاه با ماشین عروس به تالار آمدند. بزرگ ترین تفاوت جشن مادر مهمان های

هر جا می رویم، از ما عکس می گیرند!

«ما خوش شانس بودیم که یکدیگر را از دو نقطه دور دنیا پیدا کردیم. خوش شانس بودیم که در خانواده ای به دنیا آمدیم که به دنبال یافتن ایراد و برهم ریختن احساسات عاطفی یکدیگر نیستند. تا به امروز چیزی به جز برخورد های محبت آمیز از مردم و اطرافیان ندیده ایم، با وجود این توجه بیش از حد گاهی اذیت مان می کند.» فرشاد با این مقدمه می گوید: «هر جا که می رویم عده ای دور مان جمع می شوند و عکس می گیرند. در خیابان، در بازار و حتی در سفری که به ماسوله داشتیم، یک دقیقه

آرزوهای مشترک داشته باشیم و در پی

آزار یکدیگر و دیگران نباشیم. ما از نظر جغرافیایی فرسنگ ها با هم فاصله داشتیم اما از نظر فکری به قدری به هم شباهت داریم که هنوز بر اییم معجزه به نظر می رسد و جذاب است. فکرش را بکنید یک نفر در این کره خاکی وجود دارد که درست مشابه شما فکر می کند و اعتقاد و آرزوهایش شبیه شماست؛ این خیلی هیجان انگیز است.»

خانمم شیفته ایران و ایرانی است

نیازی به جهیزیه و وسایل جدید هم نمی بینیم، چرا که هر دوی مان تا حدودی وسایل اولیه و ضروری شروع یک زندگی دو نفره را داریم. از نظر قواعد پوشش در ایران هم خانمم مشکلی ندارد.

فتی جان پوششی به عنوان حجاب استفاده می کند که در زادگاهش وجود داشته و با آن بزرگ شده است. او موهایش را با همان پوشش مخصوص می پوشاند و حجابش از بعضی دختران ایرانی کامل تر هم هست. این در حالی است که او در لندن زندگی کرده و هیچ اجباری برای انتخاب حجاب نداشته است. او معتقد است حجاب باعث می شود تا حریم زندگی آدم ها بیشتر حفظ شود. تمام این موارد باعث شده است که خانم من احساس نزدیک تری به ایران و ایرانی داشته باشد.»

تفاوت هایی وجود دارد اما...

ممکن است از نظر بعضی افراد، متفاوت بودن یک دختر و پسر برای ازدواج هم جدی داشته باشد و ازدواج فرشاد و همسر آفریقایی اش که به ظاهر هیچ شباهتی ندارند، باور کردنی نباشد.

فرشاد در این باره می گوید: «جوانانی را سراغ دارم که تفاوت های کوچک را بزرگ می کنند. نگاهتان را منعطف کنید تا کیفیت زندگی تان بیشتر شود. تفاوت همیشه وجود دارد، شما ویژگی های اصلی خودتان را در نظر بگیرید و روی دیگر تفاوت ها تمرکز نکنید. من خودم چند ویژگی در نظر داشتم که همان ها اهمیت داشت.

می خواستم شخص مقابلم یک انسان با اخلاق باشد، صداقت داشته باشد و مرا درک کند. همسر م هم اولویت هایش همین بود. این که همسر مان فرهنگ، قومیت و نژاد دیگری داشته باشد، سن و سالش پسند جامعه نباشد یا رنگش متفاوت باشد، چه اهمیتی دارد؟ بر خی تمام تمرکز شان روی گذشته آدم ها ست. آدمیزاد موجود ثابتی نیست، تغییر می کند. روی مسائل غیر اساسی بر چسب «باید» نجسبایند. پس اگر فردی که مقابل شماست، به شما احساس آرامش می دهد، تنها به دلیل چند تفاوت بی ارزش از کنار خوشبختی تان عبور نکنید. اگر روی تفاوت ها پا فشاری کر دید، مطمئن باشید در آینده تفاوت هایی پیش خواهد آمد که توانایی هضم و گذر از آن ها را نخواهید داشت.»



فرشاد در پایان می گوید: «به عنوان آخرین صحبت، دوست دارم به کسانی که حرفه هایم را می خوانند بگویم دست از منفی بافی بردارید. مدام به این فکر نکنید که چه چیزی گران شده است. ما هنوز آن قدر در کشور مان چیزهای خوب داریم که خارجی ها یک سفر به ایران، تصمیم به سفری دوباره می گیرند. مشکلات همیشه هست اما این ما هستیم که مشخص می کنیم با تمرکز کردن روی چه چیزی، زندگی مان را بسازیم. خیلی ها را سراغ دارم که با درآمدی اندک هنوز به شیرینی های زندگی

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۸
۳ صفر ۱۴۴۱ • ۱۲ اکتبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۲۱۰

۱۴۳۳

اگر در فکر ازدواج با فردی متفاوت از خود و

خانواده تان هستید، این ۴ نکته

را در نظر داشته باشید

تفاوت جذاب است اما...

نگین عزیزی | کارشناس ارشد مشاوره

تفاوت داشتن با همسر به ویژه تفاوت هایی چشمگیر، یکی از موضوعات جذاب برای برخی افراد است اما همزمان نگرانی از مشکل پیدا شدن در رابطه، یکی دیگر از موضوعاتی است که همیشه همراه این مسئله است؛ ترس و نگرانی از این که اگر قرار باشد من با همسر م تفاوت های زیادی داشته باشم، حتما در آینده به مشکل برخورد. اما آیا نشانه هایی وجود دارد که نشان دهد در وضعیتی که دو نفر با هم تفاوت های زیادی دارند، آینده خوبی می تواند در انتظار آن ها باشد؟

نکته اول نقش این تفاوت ها در ایجاد جذابیت در رابطه شماست. اگر با اصلی جذابیت و به نوعی خواستنی شدن رابطه ای، تفاوت های چشمگیر دو نفر باشد، سر انجام خوبی در انتظار این رابطه نمی تواند باشد چرا که بعد از مدتی تازگی و جذابیت این تفاوت ها کم می شود و آن وقت این موضوع خود می تواند ایجاد کننده در دسر باشد.

شناخت درست از تفاوت ها شرط دوم در این موضوع است. گاهی افراد تفاوت های موجود را دست کم می گیرند و در حالی که تصور درستی از میزان این تفاوت ها و تاثیر آن ها بر سبک زندگی فرد مقابل خود ندارند، رابطه را پیش می برند. این دست کم گرفتن نیز البته بعد از مدتی عوارض مشخص می شود و رابطه را با مشکلات متعدد روبه رومی کند.

میزان پذیرش خود را به درستی ارزیابی کنید. گاهی افراد برای این که به خود دل داری دهند یا دیگران را راضی به انتخاب شان کنند، تصویری نادرست از خود ترسیم می کنند. ادعای این که من پذیرش تفاوت دیگران را دارم یا من مشکلی ندارم که کسی متفاوت از من فکری یا عمل کند، در گفتن ساده است اما در عمل می تواند بسیار دشوار باشد. اگر سابقه دوستی با افراد متفاوت را ندارید، اهل سفر و نزدیک شدن به افراد متفاوت نیستید، عادت به خوردن، پوشیدن و البته سبک زندگی ثابتی دارید، شاید بهتر باشد دور از دواج با فردی بسیار متفاوت را خط بکشید.

نقش اطرافیان و خانواده خود را نفی نکنید. اما این تصور که اگر خانواده من نگرش مثبتی به این تفاوت ها ندارند، پس اهمیتی ندارد، می تواند نشان از خامی شما داشته باشد. چرا که تجربه نشان می دهد، مخالفت خانواده ها و پذیرش پایین تفاوت ها از سوی آن ها در طولانی مدت روی کیفیت رابطه تاثیر منفی می گذارد.

🔗 **سخنی با خانواده ها**

شاید بسیاری از ما بایدن دو فرد متفاوت که قصد ازدواج دارند، نگران شویم و تصور کنیم که احتمال موفقیت در چنین ازدواج هایی بسیار پایین است اما واقعیت این است که این سبک انتخاب، اگر با آگاهی و انعطاف پذیری در موارد جزئی همراه شده و حمایت خانواده ها را در کنار خود داشته باشد، می تواند به از دواجی موفق و بادوام تبدیل شود. پس با نگرانی بیش از حد، با هر انتخاب متفاوتی مخالفت نکنید و سعی کنید با حمایت به جا و به اندازه، جوانان را به سمت انتخابی آگاهانه و مسئولانه هدایت کنید و اگر به درستی انتخاب شک دارید، به جای اصرار به مخالفت، از مشاوره با متخصص بهره مند شوید.

گرانی هست اما چرا خوبی های ایران را نمی بینیم؟

ایمان دارند. زندگی کوتاه است، قدرش را بدانید. برای من اهمیتی نداشت که همسر م متعلق به کدام نقطه دیاست. تنها به دنبال شخصی شبیه به خودم، با دغدغه هایی مشترک بودم. نگویید همسر آینده من باید شغل و درآمدش و... چنین باشد تا ظرفیت همسر خوب بودن را داشته باشد. سوال پیچ کردن نه تنها راه درستی برای یافتن اعتماد نیست که اتفاقا آن را تخریب می کند. اگر هنوز درگیر این گونه از حواشی هستید به طور قطع هنوز متوجه عمق معنای دوست داشتن نشده اید، انتخاب تان را با جان و دل دوست ندارید یا هنوز توان درک آدم ها پیدا نکرده اید. همه ما انسان هستیم، پس با انسان ها، انسان گونه رفتار کنیم.»